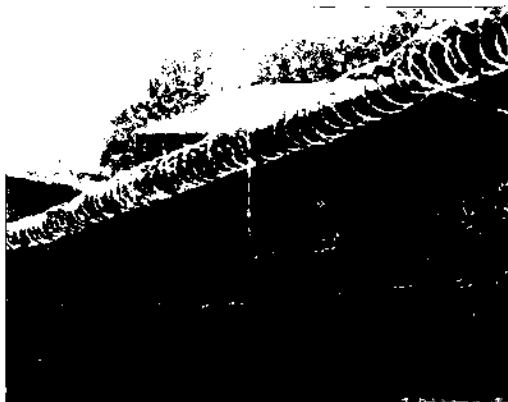


# مرزبندی نوین شهری



بهسازی بافت شهری از راه اسکان جمعیت مرفه در شهرهای

کینه توز

تالیف

نیل اسمیث

ترجمه

حسام زندحسامی



## انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۳۱۶۲

شماره مسلسل ۶۷۱۱

Smith, Neil	اسمیث، نیل، ۱۹۵۴ - م.
مرزبندی نوین شهری: بهسازی بافت شهری از راه اسکان جمعیت مرفه در شهرهای کینه‌توز / اثر نیل اسمیث، مترجم حسام زند حسامی. تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات، ۱۳۸۹. ۴۷۰ ص: (انتشارات دانشگاه تهران: شماره ۳۱۶۲).	
ISBN 978-964-03-6111-5	فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
The New Urban Frontier : Gentrification and the Revanchist City	عنوان اصلی:
	واژه‌نامه.
بهسازی بافت شهری از طریق اسکان جمعیت مرفه. بهسازی بافت شهری از طریق اسکان جمعیت مرفه - سیاست دولت، نوسازی شهری، سیاست شهری، زند حسامی، حسام، ۱۳۵۶ - مترجم: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات.	
۱۳۹۰	۳۰۷/۷۶
۲۱۹۸۵۰۱	م ۴ الف ۱۷۰ / HIT
	شماره کتابشناسی ملی

عنوان: مرزبندی نوین شهری (بهسازی بافت شهری از راه اسکان جمعیت مرفه در شهرهای کینه‌توز)

تألیف: نیل اسمیث

ترجمه: حسام زند حسامی

ویراستار: فرشاد رضوان

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۶۱۱۱-۵

ISBN 978-964-03-6111-5

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مترجم است»

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بها: ۱۰۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش می‌قدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: [press@ut.ac.ir](mailto:press@ut.ac.ir) - سایت: [www.press.ut.ac.ir](http://www.press.ut.ac.ir)

بخش و فروش: تلفکس ۸۸۰۱۲۰۷۸

## فهرست

عنوان.....	صفحه
فصل ۱: کشمکش طبقات جامعه بر سر خیابان بی، محله یست ساید جنوبی به مثابه‌ی غرب وحشی وحشی.....	۱
فصل ۲: آیا بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه‌تر، اصطلاحی ناشایست است؟.....	۵۱
بخش یک: نظریه‌ای برای بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه‌تر.....	۸۳
فصل ۳: بحث‌های محلی: از حاکمیت مصرف‌کننده تا وقوع شکاف بین جاره‌ی بالقوه و واقعی.....	۸۵
فصل ۴: بحث‌های جهانی: توسعه‌ی نابرابر.....	۱۲۷
فصل ۵: بحث‌های اجتماعی: در خصوص تازه‌به‌دوران، سیده‌ها و مسکن.....	۱۵۵
بخش دو: یکسانی وضع مقیاس جهانی و مقیاس محلی.....	۱۹۷
فصل ۶: بازار، دولت و ایدئولوژی، در بخش مسایلی مثل از شهر فیلادلفیا.....	۱۹۹
فصل ۷: دور باطل: بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه‌تر در هارلم.....	۲۳۳
فصل ۸: جنبه‌های عمومی و موارد استثنا، در سه شهر اروپا: آمستردام، نظرف‌کنندگان غیرقانونیو دولت.....	۲۷۵
بخش سه: شهر کینه‌توز.....	۳۱۳
فصل ۹: رسم بقتنه‌ی مرزبندی بین تمدن و توحش براساس بهسازی باعث از راه اسکان جمعیت مرفه‌تر.....	۳۱۵
فصل ۱۰: از بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه‌تر تا شهرهای کینه‌توز.....	۳۴۹
منابع.....	۳۸۷

## پیشگفتار

در سده‌های اخیر با گسترش روزافزون علوم و فنون و توسعه صنعتی، شهرهای ایران، بیش از پیش، تحت تأثیر عوامل متأثر از این پدیده قرار گرفته‌اند. این شهرها، در گذشته، در حقیقت مجموعه‌های همگنی بوده‌اند که توسعه کالبدی و فضایی آنها متأثر از روابط تولیدی و مناسبات اقتصادی محدوده‌شان بوده و به‌علت سرعت کم تغییر این مناسبات، تعادل شهر تا حدود زیادی حفظ می‌شده است. اما انقلاب صنعتی، عوامل به‌وجود آمده بعد از رنسانس، افزایش روزافزون جمعیت شهری و استقرار مناسبات نوین اقتصادی، باعث به‌هم خوردن تعادل شهر قدیمی شده‌اند.

شهرهای قدیمی از یک طرف به‌دلیل داشتن ارزش‌های فضایی و از طرف دیگر به‌دلیل داشتن همبستگی و همگنی خاصی خود، باید از این عدم تعادل و تأثیرات ناشی از آن، مورد حفاظت و صیانت قرار گرفته و در مقابل تغییرات تند و ناگهانی مورد مراقبت قرار گیرند. همچنین باید گفت، بر اثر توسعه سریع و بی‌برنامه، محدوده‌هایی از شهر، از توسعه جامانده و دچار فرسودگی‌های گوناگون شده و بالتبع آن از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به بیماری مبتلا شده‌اند.

علی‌رغم آنکه در اکثر شهرهای ماندگار جهان روند پیوسته تغییر و نو شدن شهرها از دوران کهن به دوره معاصر، با حفظ اصول و ارزش‌های گذشته به‌چشم می‌خورد، کشور ایران با سابقه طولانی و تجربیات فراوان تاریخی و قدمت بسیار در پدیده شهر و شهرنشینی، از این جریان دور مانده است. اقداماتی نیز که در دوره معاصر به‌صورت شتابزده برای نجات این بیمار صورت پذیرفته نیز گاه روند این حرکت را تسهیل نموده است و گاه به‌صورت مسکن موضعی، این روند را به تعویق انداخته است.

بنابراین باید برای ایجاد تعادل و رفع مشکلات و فرسودگی‌ها چاره‌ای اندیشید. یکی از مسیرهای سریع و صحیح در این جهت استفاده از تجربیات موفق جهانی است که می‌تواند کمک رسان تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان شهری در ایران برای برنامه‌ریزی‌های مداخله در بانک‌ها باشد. در این راستا، برای آشنایی هرچه بیشتر نهادهای حرفه‌ای شهری از تجربیات جهانی، سازمان نوسازی شهر تهران، به‌عنوان نهادی عمومی و شهری و مؤسسه پژوهشی فرهنگ و هنر دانشگاه تهران به‌عنوان نهاد علمی و دانشگاهی، تصمیم به کاری متداوم بر پایه علمی جهت پر گرداندن متون علمی تخصصی کشورهای موفق در امر دخالت در امور شهری گرفته‌اند.

مجموعه پیش‌رو، مقدمه‌ای بر این کار ارزشمند خواهد بود که امیدواریم تأثیر مناسب خود را بر جهت‌گیری دیدگاه‌ها و تصمیم‌ها به‌سوی صحیح خود بگذارد و قوت قلبی ادامه این مسیر و سرعت بخشیدن به آن باشد.

دکتر پیروز حناچی

رئیس موسسه پژوهشی فرهنگ و هنر

## بسمه تعالی

### آغاز سخن

برای تصمیم‌گیری درست و پرهیز از تکرر شبهات، به‌طور ذابیه نیازمند پایش رویکردها و صلاح روش‌ها هستیم. امری که بهره‌مندی از تجارب و آموزه‌های روز و حرکت بر لبه دانش جهانی و ضروری می‌نماید. اطلاع از دانش و تحولات روز جهانی، امکان سنجش سطح اقدامات و ارزیابی جایگاه 'ندیشه‌ای' و اجرایی موضوع را میسر می‌سازد. داشتن تصویری روشن از اوضاع جهانی، ضمن کمک به شناخت موقعیت و ارزیابی مزیت‌های نسبی، امکان تعامل موثر با جهان بیرون و تولید علم را فراهم می‌کند.

دگرگونی‌های زیست محیطی دهه‌های اخیر نشان داد که افق نوعی از توسعه که زمانی بی‌حد و حصر تصور می‌شد به سرانجام خود رسیده و ناگزیر از تجربه انواع دیگری از توسعه هماهنگ با منابع زیستی پایان‌پذیر، هستیم. به اعتقاد بسیاری، در قرن حاضر، زمین شاهد مهاجرت پایانی و تبدیل شهرها به مأمین اصلی انسان‌ها خواهد بود. در این فرآیند بحث اسکان جمعیت و تأمین اشتغال، بهبود نظام سلامت و آموزش آنها از چالش‌های اساسی جهان روبه‌فردا هستند. بی‌تردید در چنین فضایی، نوسازی و ساماندهی مجدد و پیاپی شهرها امری بنیادی و معطوف به تضمین امکان مداوم حیات بشری است.

امر خطیری نوسازی و تجدید حیات شهری در کنار ضرورت‌های حیاتی و اجتناب‌ناپذیر، ناگزیر از توجه به چشم‌اندازهای توسعه‌ای و آرمانی است. با وجود اینکه ملاحظاتی اجتماعی و محلی ممکن است به راحتی با اهداف اقتصادی و توسعه‌ای قابل جمع نباشد. تجربه‌های جهانی حاکی از این است که اهداف توسعه‌ای توانسته‌اند فرصت‌های بی‌نظیری برای تجدید حیات شهرها فراهم نمایند. موضوعی که می‌تواند در کلانشهری چون تهران از یک طرف، با وسعت قابل توجه بافت‌های فرسوده و از طرف دیگر به سبب گرایش به ایفای نقش در مقیاس جهانی، مصداقی عینی پدید کند.

شناخت صحیح مسائل بافت‌های فرسوده و تحویل بعد مختلف آنها و در نهایت رتبه‌بندی و رتبه‌بندی موثر در پرتو پژوهش و بهره‌مندی از دانش روز میسر خواهد بود. عنایت به نوسازی و تجدید حیات شهری به‌عنوان یک جریان مداوم، ناظر بر پایایی فرآیندهای پژوهشی در این حوزه است.

در این میان سازمان نوسازی شهر تهران در کنار فعالیت‌ها و اقدامات مختلف ضمن اهتمام جدی بر امور پژوهشی، ترجمه و نشر کتب تخصصی روز در حوزه نوسازی و تجدید حیات شهری را در دستور کار خود قرار داده است. تا با بهره‌گیری از دانش استاتید و متخصصان، با کمک به ارتقاء دانش موضوعی، نقش هر چند اندکی در قوه فضای فکری نقش آفرینان این حوزه یغاء نماید.

و من... توفیق

درویش‌زاده

مدیر عامل سازمان نوسازی شهر تهران

## مقدمه

از مجموعه کارهای ارزشمندی که از دیرباز در گسترش فرهنگ و دانش کمک چشمگیری داشته و دارد، برگردان نوشتارها از زبان نویسنده به دیگر زبان‌ها است که زمینه را فراهم می‌سازد تا میلیون‌ها انسان بتوانند به زبان مادری یا ملی خود به آسانی به نوشتار و پیام نویسنده دسترسی داشته باشند.

این کار در برگردان نوشتارهای علمی و تخصصی نیز ارزشمند و بسیار کارآمد است و کمک می‌کند تا جهان بتواند تجربه یا دستاورد دانشی روی داده در یک پروژه یا یک شهر را شناسانی و از آن بهره‌برداری نماید. در اینجا باید یادآوری کرد که برگردان یا ترجمه با این همه اهمیت باید از چنان دقت و وسواسی برخوردار باشد که بتواند:

الف- پیام نویسنده یا نوشتار را بدرستی و روشنی به خوانندگان برساند.

ب- برگردان باید ویراستاری خوبی داشته باشد تا به‌جای برگردان واژه به واژه که در بسیاری از موارد گویایی ندارد و نارسانا است، برگردان مطلب را هدف قرار داده و مفهوم و پیام یا دانش بدست آمده را به زبان دوم چنان برساند که خواننده به‌درستی آن را دریافت کند. توان علمی و تخصصی و علاقمندی مترجم در اینکار تعیین‌کننده است.

از این روی چون در شرایط امروزی بیشتر مردم ما نمی‌توانند به زبان اصلی از منابع نوشتاری به‌ویژه دانش جهانی (به‌ویژه زبان‌های انگلیسی یا فرانسوی که بیشتر نوشتارهای علمی به این دو زبان منتشر می‌شوند) استفاده کنند رسالت کسانی که بتوانند چنین کار مهمی را به انجام برسانند رسالتی ارزشمند و مهم است.

در بخش‌هایی از کارهای اجرایی که در کشور کمتر تجربه داریم و مسئله هم بین ما و دیگران مشترک است نیازمند برگردان‌رسان و روشنی از تجارب آنان هستیم که در این راستا هنوز گام مناسبی برداشته نشده است، یکی از این بخش‌ها نوسازی بافت‌های فرسوده شهری است، بیشتر کشورهای اروپا و آسیا در قرن بیستم با این پدیده تلخ و گزنده شهری روبرو و برای چاره‌جویی آن تجارب خوبی داشته‌اند که خوشبختانه بسیاری از آنها به‌صورت نوشتاری منتشر شده و نیازمند برگردان و انتشار به زبان فارسی می‌باشند.

با آنکه در بیست سال گذشته تلاش‌های ارزشمندی برای نوسازی بافت‌های فرسوده شهری در شهرهای کشور شده است، کمتر این تلاش‌ها و کارها از مبانی نظری و جمع‌بندی دستاوردهای نظریه‌ها برخوردار بوده‌اند و رویهمرفته دریاچه‌ی مبانی نظری و دستاوردهای ناشی از آنها در کشورهای دیگر کم‌صحت شده است، تا آنجا که پاره‌ای از طرح‌های نوسازی، بافته‌ای ناقص از نظریه‌های متفاوت و گاه متضاد را بافته و در اجرا با شکست روبرو شده‌اند.

از این روی کوشش برای روشن کردن نظریه‌های نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و نشان دادن دستاوردهای مثبت و یا منفی آنها در دیگر کشورها می‌تواند چراغ فروزانی برای برنامه‌ریزی موفق در دست مدیران نوسازی بافت‌های فرسوده باشد.

یکی از نظریه‌هایی که طرفداران زیادی در کشورهای مختلف دارد نظریه نوسازی از راه جایگزینی شهروندان می‌باشد. بر پایه‌ی این نظریه چنانچه همراه با بازسازی دیوارهای فرسوده، گروه‌هایی که در آنجا زندگی می‌کنند با گروه‌های برخوردار جایگزین شوند نوسازی موفق خواهد بود.

نکته اساسی در این نظریه این است که نظریه پذیرفته نوسازی تنها کاری کالبدی نیست و باید زندگی و رفتار و فرهنگ مردم و شهروندانی که در بافت فرسوده زندگی می‌کنند دگرگون گردد و یک جهش فرهنگی و رفتاری در این مردم پدید آید تا نوسازی پایدار گردد. اما نظریه پرداز به جای پافشاری بر اجرای برنامه‌های تحولی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همراه با برنامه‌های نوسازی کالبدی (چون این کار را کاری دشوار و زمان‌بر می‌بیند) پیشنهاد می‌کند که مردم به صورت طبقاتی جایگزین گردند اما به این پرسش نگاهی نمی‌کند که شهروندان ساکن بافت فرسوده پس از نوسازی چه خواهند کرد؟ به کجا خواهند رفت؟ آیا با جایگزین شدن گروه‌های برخوردار به جای آنها، این شهروندان در جایی دیگر، بافت فرسوده یا پیرامونی نخواهند ساخت؟ در این کتاب نویسنده با بیان روشن دستاوردهای نظریه اسکان جمعیت مرفه‌تر گروه‌های مردمی در شهرهای امریکا و اروپا نظریه را در میدان عمل ارزیابی و آن را نقد می‌نماید.

کتاب از این نظر که نظریه مهمی را که طرفدارانی نیز در جهان دارد با جمع‌بندی عملکرد آن نقد می‌کند، بسیار ارزشمند بوده و امید است که مدیران نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و کارشناسان شهرسازی از آن بهره‌برداری نمایند.

در پایان، از جناب آقای دکتر زندحسامی که با بازیگری ویژه‌ی کتاب را به زبان پارسی برگردانده و از مدیران سازمان نوسازی شهر تهران و انتشارات دانشگاه تهران که آن را برای بهره‌برداری علاقمندان در سطح کشور آماده کرده‌اند سپاسگزاری می‌نمایم.

علی عبدالعلی‌زاده

مهرماه هزار و سیصد و هشتاد و نه

## مقدمه‌ی مترجم

پیش از پرداختن به مقدمه باید اشاره کنم، برخی از اظهارنظرهایی که از اینجانب در این قسمت و در هاشم کتاب ارائه شده، نه به‌عنوان متخصص معمار و یا شهرساز بلکه از جایگاه یک مشاور مدیریت و یک طراح و برنامه‌ریز ارائه شده است. ترجمه‌ی کتاب حاضر براساس این ایده پیگیری شد که متخصصان رشته‌های مختلف زمانی که خارج از بطن اغراق شده‌ی محیط تخصصی موضوعی را بررسی، مطالعه و تحلیل می‌کنند، می‌توانند دریچه‌های نوینی را در آن حوزه‌ی تخصصی گشوده و از سوی دیگر تعامل و هم‌اندیشی متخصصان با نظر تحلیل‌گران علاقه‌مند و خارج از حوزه‌ی تخصصی به نظریه‌های کاربردی خواهد انجامید. همانطور که در متن کتاب نیز مشاهده می‌شود، بسیاری از تحولات مربوط به بهسازی، متأثر از پارادایم‌های اقتصادی و مدیریتی بوده است. بنابراین تصور می‌کنم پرداختن به موضوع بهسازی نه تنها بر پایه‌ی نگرش‌های معماری، شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، بلکه بصورت نگاه ترکیبی از علوم اقتصادی، مدیریتی، جامعه‌شناسی و سایر علوم انسانی می‌تواند بر غنای مفاهیم و دست‌یابی به نتایج ارزنده رهنمون باشد.

در ایران، بهسازی و نوسازی شهر قدمتی به بلندای دوره‌ی سکونت و یکجانشینی دارد. و رای هر سکونت، سکونتگاهی است و گذر زمان فرسایش سکونتگاه‌ها را به همراه خواهد داشت. زندگی جاریست و جاری زندگی، اصلاح، بهسازی و تحول را می‌طلبد. بنابراین می‌توان گفت قدمت نوسازی با قدمت سکونت بشر همراه است. و رای این تفسیر، حدود ۵۰ سال است که در ایران به‌طور رسمی، نهادی برای نوسازی و بهسازی تشکیل شده است. در این حدود پنجاه سال پارادایم‌ها، نگرش‌ها، رویکردها و استراتژی‌های متفاوتی حاکم شده است. گاهی تمام نهادهای اثرگذار در نوسازی و بهسازی همسو، هم سیاست و گاهی نیز هیچ‌یک همراستای هم نبوده‌اند. به هر حال، امروز حاصل پنجاه سال را می‌توان مشاهده و قضاوت کرد. نوسازی از یک‌سو متأثر از توسعه و از سوی دیگر اهم توسعه است و ابتعاد درک شده و پنهان بسیاری دارد که از این‌رو بررسی و مدیریت آن را بی‌نهایت دشوار خواهد ساخت. هر جا که انسان محور حرکت و تصمیم باشد، پیچیدگی‌ها، دشواری‌ها و پیش‌بینی‌ناپذیری‌هایی را به‌همراه خواهد داشت که کوچکترین لغزش و سهل‌انگاری در بررسی جوانب می‌تواند نتایج جبران‌ناپذیری را برای جوامع بشری دربرداشته باشد.

شاید چندان اعتقادی به واژه‌ی یافت فرسوده نداشته باشم و هر آنچه هست بافت قلمداد می‌شود. اینکه در ایران تمام تمرکز بر بافت‌های فرسوده استوار شده، یک موضوع حیاتی است. شاید بتوان جامع‌تر و وسیع‌تر نگاه کرد. بازسازی نه تنها براساس بافت‌های فرسوده بلکه باید براساس جایگاه بافت‌های شهر در مسیر توسعه و طرح آمایش جامع شهر، صورت گیرد. به‌بیانی شاید آزادسازی و رهاسازی، از استراتژی‌های توسعه‌ی شهر قلمداد شود. اگر شهر را موجود زنده فرض کنیم [همانطور که هست]، گاهی برای تجدید حیات شهر لزومی ندارد تمام شهر زندگی کنند و در مسیر گذار و ره‌گذار توسعه‌ی شهر شاید به‌توان حرکت‌ها و جابجایی‌ای راهبردی را جایز دانست.

نکته‌ی حیاتی و تفاوت بین استراتژی‌های شهر و سازمان جایگاه انسانی و نهاد خانواده و اجتماع در برابر مواد اولیه و محصول در سازمان است. این‌که مسئولیت مدیران شهر در قبال ساکنین و خانواده‌ی شهر چیست؟، یک جنبه و این‌که آینده و سرنوشت شهر به‌عنوان یک نهاد، فرگذاز در توسعه و موتور محرک توسعه چگونه محقق می‌شود، جنبه‌ی دیگری است که مدیران می‌بایست هر دو ر همزمان در نظر داشته باشند. بین اعتقاد خطر تی ر می‌توند در برداشته باشد و آن ایجاد احساس ناامنی و بی‌اعتمادی بین شهروندان است. به‌بیان دیگر اگر قرار باشد صورت مسئله پاک شود، این آینده و سرنوشت انسان‌هاست که به نوعی پاک خواهد شد. اما نباید فراموش کرد که انسان‌ها نیز در بطن توسعه رشد یافته و توسعه نیز بر پایه‌ی انسان‌های توسعه‌یافته ایجاد می‌شود.

اگر به‌جای بافت فرسوده و تخصیص بودجه‌های کلان، به بافت شهر به‌عنوان یک کل و بافت‌های فرسوده، کهن، توسعه‌نیافته، تاریخی و هنرنامی که به آنها دهیم، به‌عنوان یک جزء نگاه شود [همانگونه که شاید ایران و جهان نیز در رویکردهای اخیر به آن توجه بسیار داشته‌اند]، می‌توان مید دشت به نتیج مناسب‌تر و مبتنی‌بر توسعه دست خواهیم یافت.

تعریف دوباره‌ی مرز شهر، در راستای چشم‌انداز نوین شهری بسیاری از پرسش‌های مدیران در روند مواجهه با اجزای مختلف شهر را تعریف خواهد کرد. در همین راستا یک پرسش حیاتی را می‌توان چنین مطرح کرد؛

آیا می‌شود آباد و آبادانی را که روزگاری محل رونق و هیاهو بوده‌است، امروز به فراموشی سپرده و ویرانی آن را نظاره‌گر باشیم؟!

پاسخ به این پرسش بسیاری از رویکردها و استراتژی‌های اتخاذ شده را توجیه می‌کند. به‌اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران فرآیند تغییر آهسته‌آهسته صورت می‌گیرد. گاهی جانشینی، جایگزینی و حرکت از آنچه ما را محدود می‌سازد، پاسخ مناسبی است برای کسب موفقیت. اما مهم‌ترین مسئله، حرکت در راستای تحقق اهداف استراتژیک طرح آمایش یک شهر و منطقه است. این‌که ظرفیت محله و منطقه در روند توسعه و آمایش سرزمین چگونه دیده می‌شود، چیزی است که بستگی زیادی به مدیران و برنامه‌ریزان توسعه دارد. شاید نتوان پاسخ درستی به این پرسش داد. نتوان به این سوال داد. درستی یا نادرستی پاسخ، ریشه در اهداف و چگونگی تعیین اهداف توسعه‌ی محلی و منطقه‌ای دارد.

میدوزم روزی شهرها و منطقه‌های ایران علاوه‌بر برخورداری از طرح راهبردی آمایش واقعی، به‌سوی آن حرکت پیوسته‌ی دشته باشند.

در مورد کتاب

با مروری بر متن صمی کتاب و نوع ادبیاتی که نگارنده بکار برده، متقاعد شده که با متن دشوار و حدسی موجه حوهم شد. نگارنده در پی کتاب ز دمنه‌ی وسیعی ر لغات ستفاده کرده ست نیل سمیت که

س ..... مرزبندی نوین شهری

یک اسکاتلندی تحصیل کرده در آمریکا است. با توجه به نوع تحصیل و اظهار نظرهایش به نظر می‌رسد به شدت تحت تاثیر نگرش‌های کمونیستی قرار دارد.

کتاب حاضر با ادبیات متفاوتی نوشته شده و نگارنده از کلمات عامیانه، کوچه‌بازاری و گاه بسیار قدیمی و پیچیده استفاده کرده است. کتاب با ارائه‌ی تجارب ارزنده و مستندی که از «بهبازی از راه اسکان جمعیت مرفه‌تر» در شهرها و مناطق مختلف قاره‌ی اروپا و آمریکا و با ارائه‌ی نتایج و اظهارنظرهای کسانی که در بطن این تجارب از حدود ۵۰ سال پیش بوده‌اند، درس آموخته‌های ارزشمندی را می‌تواند در اختیار مدیران و تصمیم‌گیران ایران قرار دهد. استفاده از این تجارب کمک خواهد کرد تا هزینه‌های فرصت زیادی ایجاد شود و هزینه‌ی تجربه کردن تجربه‌های موجود برای نظام مدیریتی کشور پس‌انداز شده و در راستای توسعه شهر بکار برده می‌شود.

استفاده از کلمات و عبارات احساسی برای نشان دادن شدت احساسات و عواطف نویسنده نکته‌ی مهمی است که ترجمه‌ی کتاب را با مشکل مواجه می‌کند. به عبارتی گاهی لغت‌ها و کلمه‌هایی بکار برده شده که ترجمه‌ی آنها در زبان فارسی امکانپذیر نبوده و با حداقل چندین عرف نیست. در نتیجه هنگام ترجمه و بازبینی‌های صورت گرفته سعی شده، تا آنجا که مفهوم مورد نظر نگارنده خدشه‌دار نشود از واژگان جایگزین استفاده شده است.

در مورد تلفظ‌های اسامی اشاره شده در کتاب، سعی شد تلفظ‌ها و نام‌هایی که در زبان پارسی مرسوم هستند، بکار گرفته شود، حتی اگر این تلفظ‌ها تلفظ نادرستی در زبان اصلی باشند.

از آنجا که محتوای اصلی کتاب در مورد مفهوم و تجارب «جنتریفیکیشن» است و تا کنون در زبان پارسی معادل مناسبی برای این واژه ارائه نشده، عبارت «بهبازی بافت شهری از طریق اسکان جمعیت مرفه‌تر» به عنوان معادل این واژه انتخاب شده است. اما با توجه به طولانی بودن واژه و از آنجا که در سراسر کتاب (به استثنای چند مورد محدود) زمانی که از بهسازی سخن به میان آمده منظور همان «جنتریفیکیشن» است به منظور بهره‌وری از قضا و تکراری نشدن عبارت در بسیاری از موارد این عبارت با واژه‌ی بهسازی جایگزین شده است که ذکر این نکته برای خوانندگان و محققان محترم ضروری است.

تهران

حسام زندحسامی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد قزوین

## سپاسگذاری

بر خود لازم می‌دانم از مدیرعامل محترم سازمان نوسازی شهر تهران که حمایت‌های صمیمانه و خردمندانه‌ای را برای ترجمه و توسعه‌ی دانش از طریق در اختیار قرار دادن تجارب و نظریه‌های تخصصی در حوزه‌ی مدیریت شهری مبذول داشته‌اند، تشکر و قدردانی کنم.

جای دارد تقدیر ویژه‌ای داشته باشم از دانشمند فرهیخته جناب آقای دکتر عنی عبدالعی زده که با رهنمون‌ها و روشنگری‌های خود همواره منشأ خلق ایده‌های بسیار بوده‌اند. بی‌شک حمایت و اندیشه‌ی ولای ایشان در مجموعه فعالیت‌های مشاوره‌ی نوین مدیریت و شهرسازی منشأ اثرهای بسیار خیریه بوده و خواهد بود.

از دوست گرامی آقای سهیل صادق که در بسیاری از موارد من را در یافتن معادل‌های مناسب و رفع پیچیدگی عبارت‌یاری نموده‌اند، سپاسگزار می‌کنم.

همچنین از همکار ارجمند سرکار خانم زینب مولایی که در مراحل مختلف بازبینی‌ها و ویراستاری تلاش بسیار کردند، سپاسگزارم.

www.ketab.ir

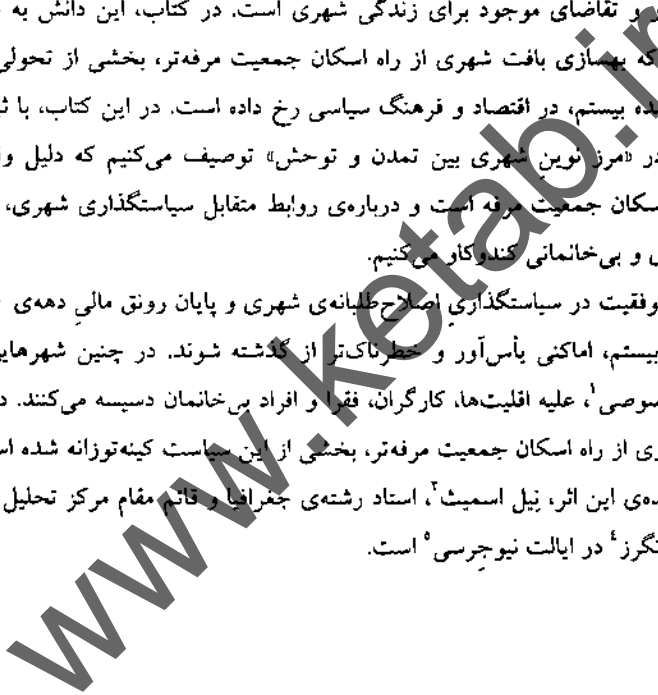
## مرزبندی نوین شهری پلی بین تمدن و توحش

چرا در دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، مرکز بسیاری از شهرهای اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا، چنان به افراط مرمت شده‌اند که به‌طور کلی چهره قدیمی شهر را به نماهای شیک و امروزی تبدیل کرده‌اند؟ آیا این فرایند، در سده بیستم نیز ادامه خواهد داشت؟ این فرایند برای مردم ساکن بافت‌های قدیمی به چه معناست؟ آیا ساکنین می‌توانند در چنین بهسازی نقشی ایفا کنند؟

براساس دانش موجود، بهسازی بافت شهری از راه اسکان جمعیت مرفه، تنها ناشی از سلیقه طبقه‌ی متوسط نوظهور و تقاضای موجود برای زندگی شهری است. در کتاب، این دانش به چالش کشیده می‌شود و نشان می‌دهیم که بهسازی بافت شهری از راه اسکان جمعیت مرفه‌تر، بخشی از تحولی شگرف به‌شمار می‌آید که در اواخر سده بیستم، در اقتصاد و فرهنگ سیاسی رخ داده است. در این کتاب، با ثبت بی‌پرده‌ی واقعیت‌ها، تضادهایی را در «مرز نوین شهری بین تمدن و توحش» توصیف می‌کنیم که دلیل وقوع آنها، بهسازی بافت شهری از راه اسکان جمعیت مرفه است و درباره‌ی روابط متقابل سیاستگذاری شهری، الگوهای سرمایه‌گذاری، تخلیه‌ی اجباری و بی‌خانمانی کنده‌کار می‌کنیم.

عدم موفقیت در سیاستگذاری اصلاح‌طلبانه‌ی شهری و پایان رونق مالی دهه‌ی ۱۹۸۰، سبب شده شهرها در پایان سده بیستم، اماکنی یأس‌آور و خطرناک‌تر از گذشته شوند. در چنین شهرهایی، در سیاست دولتی و بازار بخش خصوصی<sup>۱</sup>، علیه اقلیت‌ها، کارگران، فقرا و افراد بی‌خانمان دسیسه می‌کنند. در شهرهایی با کینه‌توزی بی‌سابقه، بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه‌تر، بخشی از این سیاست کینه‌توزانه شده است.

نویسنده‌ی این اثر، نیل اسمیت<sup>۲</sup>، استاد رشته‌ی جغرافیا و قائم مقام مرکز تحلیل انتقادی فرهنگ معاصر<sup>۳</sup> در دانشگاه روتگرز<sup>۴</sup> در ایالت نیوجرسی<sup>۵</sup> است.



1 - Private market  
2 - Neil Smith  
3 - Center for the Critical Analysis of Contemporary Culture  
4 - Rutgers  
5 - New Jersey

## پیشگفتار

فردریک جکسون ترنر، در مقاله‌ی شرکذاز، با عنوان اهمیت و نقش مرزبندی بین تمدن و توحش در تاریخ ایالات متحده<sup>۱</sup> (آورست ۱۹۵۸) این موضوع را مطرح کرده است که:

در توسعه‌ی ایالات متحده، پیشرفت تنها از یک مسیر واحد میسر نمی‌شود، بلکه در این پیشرفت، در مرزبندی بین تمدن و توحش، همان شرایط قدیمی و ابتدایی رخ می‌دهد و مرز تمدن گسترده‌تر شده و پیشتر می‌رود. در این مرزبندی بین تمدن و توحش، توسعه‌ی اجتماعی ایالات متحده نیز پیوسته از موج آغاز می‌شود. در این مسیر پیشرفت، مرزبندی بین تمدن و توحش، ستیج یک موج به‌شمار می‌آید. این موج، نقطه‌ی تلاقی توحش و تمدن است. بدین ترتیب، جنبه‌های مختلف تمدن در سراسر آشفته‌بازار توحش، نفوذ می‌کند.

به اعتقاد ترنر، پیشرفت تمدن و عقب‌نشینی توحش و آشفته‌بازار، به منزله‌ی تلاشی برای ایجاد فضایی شایسته‌ی سکونت در طبیعت بی‌نظم و ناسازگار است. این تلاش، تنها شامل فرایند گسترش فضاها نیست. البته پیشرفت مرز تمدن، این فرایند را هم تحقق می‌دهد، اما به اعتقاد ترنر، خود پیشرفت مرز تمدن نیز نشانگر خصیصه‌ی منحصر به فرد ایالات متحده است. هر بار که پیشگامان سرسخت، مرز تمدن را گسترش داده‌اند، نه تنها زمین‌هایی جدید به این کشور افزوده‌اند، بلکه جانی تازه در مسلک مردم‌سالاری این کشور دمیده‌اند. با هر موج تمدنی که به سوی غرب گسیل شده است، با سیطره بر طبیعت تأثیرهای زیادی را بر تغییر ماهیت مردم‌سالاری نواحی متمدن شهری پدید آورده است.

در دهه‌های آخر سده بیستم، تصورها درباره‌ی آشفته‌بازار و مرزبندی بین تمدن و توحش، کمتر در مورد دشت‌ها، کوه‌ها و جنگل‌های غرب اعمال شده است. زیرا این مکان‌ها به شکل مناسبی متمدن شده‌اند. لیکن چنین تصورهایی بیشتر درباره‌ی شهرهای ایالات متحده اعمال شده‌اند. پس از جنگ جهانی دوم، یکی از تجربه‌های ناشی از حومه‌نشینی در ایالات متحده آن بود که شهرها را «آشفته‌بازار شهری» دانستند و به نظر بسیاری شهرهای ایالات متحده خاستگاه بیماری و بی‌نظمی، بزهکاری و فساد و مواد مخدر و ناامنی بوده‌اند و هستند.<sup>۲</sup> در واقع، چنین مواردی دغدغه‌های اصلی‌ای بوده است که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، نظریه پردازان شهری، هنگام پرداختن به عوامل سوء و زخود، حمودگی اجتماعی در مناطق مجاور مراکز شهر، آسیب شناسی، زندگی شهری و به بیان خلاصه، شهرهای نامطلوب برآز کرده‌اند.<sup>۳</sup> این نظریه‌پردازان، چنین شهرهایی را آشفته‌بازار و به عبارتی «جنگل» دانسته‌اند.<sup>۴</sup> نماد این نظریه در آثار سینمایی هالیوود در قالب فیلم‌هایی مانند

1 - Frederiek Jackson Turner

2 - The significance of the frontier in American history

3 - Wilderness

4 - Warner 1972

5 - Social malaise

6 - Banfield 1968

7 - Long 1971; Sternlieb 1971; also Castells 1976

کینگ کنگ<sup>۱</sup>، داستان غرب<sup>۲</sup>، جنگجویان<sup>۳</sup>، دژ آپاچی<sup>۴</sup> و محله‌ی برانکس<sup>۵</sup>، تجلی کرده است. در این شرایط به قول رابرت بزرگارد<sup>۶</sup> (۱۹۹۳)، «سخن در باب رکوده، شایع‌ترین کار در پرداختن به شهرها بود.

ضدیت با شهرنشینی، یکی از درونمایه‌های<sup>۷</sup> فرهنگ ایالات متحده بوده است. در سه دهه‌ی اخیر در حالی مشابه با تجربه‌ی غرب وحشی، دغدغه‌ها به احساسات تند تبدیل شده و تصویرها درباره‌ی مرزبندی بین تمدن و توحش، به درون شهرها راه یافته است. در سده هفدهم و در ایالات شمال شرقی آمریکا<sup>۸</sup>، کابین میث<sup>۹</sup> و پیوریتن‌های<sup>۱۰</sup> پیرو او، از جنگل می‌ترسیدند و آن را مکانی پلید و نفوذناپذیر، آشفته بازاری خطرناک و بدوی می‌دانستند. اما به تدریج با مهار کردن مستعمر جنگل و تبدیل آن به وسیله‌ی نیروی فزاینده‌ی کار و تحت فرمان سرمایه‌داری، تصور تریز دربارهای مرزبندی بین تمدن و توحش، جایگزین تعدیل شده نظریه مثر درباره‌ی پلیدی جنگل شد. «مرزبندی بین تمدن و توحش»، حاکی از خوش‌بینی و اطمینان فراوانی بود که حس پیروزمندانه و توأم با اعتماد به نفس را القاء می‌کرد. به این ترتیب، در سده بیستم و در شهرهای ایالات متحده، تصویرها درباره‌ی آشفته بازار شهری آغاز شد. آشفته بازار شهری که انسان‌های سردرگم را به ناامیدی می‌کشاند و تا قبل از پایان دهه‌ی ۱۹۸۰ (با وجود پیشرفت‌های گسترده)، این تصویرها جای خود را به آینده‌نگری برای مرزبندی بین تمدن و توحش دادند. اولین نشانه‌های حرکت از آشفته بازار شهری به آینده‌نگری برای مرزبندی بین تمدن و توحش را می‌توان در نوشته‌های مربوط به نوسازی شهری مشاهده کرد<sup>۱۱</sup>. این تغییر نگاه، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شدت گرفت و توان‌بهبشی خانه‌های تک خانوار و مجتمع‌های استیجاری<sup>۱۲</sup>، شکل جدید «نوسازی شهری» قلمداد شد. در منابع مربوط به بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه، به‌طور گسترده‌ای بر مرزبندی بین تمدن و توحش تأکید شده است و کسانی همچون «بیشگامان شهرها»<sup>۱۳</sup>، «ساکنان زمین‌های واگذاری»<sup>۱۴</sup> و «گاوایازان و گاوچران‌های شهری»<sup>۱۵</sup>، قهرمانان جدید در مرزبندی بین تمدن و توحش شدند. در دهه‌ی ۱۹۸۰ نشریه‌های املاک و مستغلات، از پیش قراول‌های شهری<sup>۱۶</sup> سخن گفتند. وظایف این پیش قراول‌ها عبارت بود از: کسب اطلاعاتی درباره‌ی زیربوم محله‌هایی که بافت آنها از راه اسکان جمعیت مرفه، در دست بهسازی بود؛ واریسی زمین‌ها برای سرمایه‌گذاری دوباره‌ی سودآور و ارائه گزارش‌هایی در خصوص میزان استقبال ساکنین محله‌هایی که در آنها بهسازی صورت می‌گرفت. در آن دوره، صاحب نظرانی که به این نگرش خوشبین نبودند، قاطعانه

1 - King Kong

2 - West Side Story

3 - The Warriors

4 - Fort Apache

5 - Bronx

6 - Robert Beauregard

7 - Central theme

۸- ایالات شمال شرقی آمریکا که شامل ایالت‌های مین (Maine)، نیو همپشر (New Hampshire)، ورمانت

(Vermont)، ماساچوستس (Massachusetts)، رد آیلند (Rhode Island) و نیز، کانیکات (Connecticut) است.

9 - Cotton Mather

10 - Puritans

11 - Abrams 1965

12 - Tenement blocks

13 - Urban pioneers

14 - Urban homesteaders

15 - Urban cowboys

16 - Urban scouts

برز داشتند که با این حرکت، گروه جدیدی از یاشیان شهری<sup>۱</sup> پدید آمده است که در ارتباط با جوامع و توده‌های محلی درگیر با مواد مخدر در مناطق حاشیه‌ای و مجاور مرکز شهرها هستند.

درست همان گونه که ترنر، وجود سرخپوستان را پذیرفته بود، ولی آنها را [نه بخشی از جامعه که] بخشی از آشفته بازار توحش می‌دانست، در تصوره‌های معاصر نیز درباره‌ی مرزبندی شهری بین تمدن و توحش، جمعیت ساکن در مناطق مجاور مرکز شهر، یکی از مؤلفه‌های طبیعی محیط کالبدی به‌شمار می‌آمدند. بنابرین، اصطلاح پیشگامان شهری، به‌اندازه‌ی پیشگامان در دوران غرب وحشی، تک‌رئیس است زیرا حکایت از آن دارد که برخی از ساکنان شهر، فاقد آداب اجتماعی هستند. به بیان دیگر در مرزبندی شهری بین تمدن و توحش، طبقه‌ی کارگر، مانند سرخپوستان، در زمره‌ی جامعه به‌شمار نمی‌آمدند و بخشی از محیط کالبدی هستند. اولین بار ترنر به صراحت و آشکارا این نظریه را بیان کرد و از نقطه‌ی تلاقی تمدن و توحش سخن گفت و اگرچه در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ هنگامی که سخن از بهسازی بافت شهری از راه اسکان جمعیت مرفه، مطرح می‌شود به ندرت به این صراحت به کارگران اهانت کرده‌اند. ولی جمعیت ساکن مناطق مجاور مرکز شهر را از بسیاری جهات، بخشی از محیط کالبدی قلمداد کرده‌اند.

به نظر ترنر، پیشرفت مرز تمدن به سمت غرب، با پیدایش همبستگی ملی<sup>۲</sup> رتباط دارد. طرفداران بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه اعتقاد دارند با این نوع بهسازی همبستگی ملی پدید آمده و این گونه بهسازی را سرآغاز تجدید حیات شهری دانسته‌اند و در دیدگاه‌های افراطی، از پیشگامان شهری خواسته شده که همبستگی تضعیف شده‌ی ملی را تقویت کنند. به بیان دیگر مانند دوران غرب وحشی، کشور را به جهانی جدید رهنمون شوند و مشکلات جهان قدیم را پشت سر گذارند. در یکی از نشریات دولت مرکزی ایالات متحده آمده است که تمسک به تاریخ برای توجیه بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه‌تر، منضمین رفع نیازی روانی برای کسب دوباره‌ی موفقیت‌های گذشته است. این نیاز، ناشی از ناکامی‌های سال‌های اخیر، از جمله ویتنام، واترگیت، بحران انرژی، آلودگی، تورم، میزان بالای بزه و موارد مشابه اینها است.<sup>۳</sup> خواهیم دید که پس از پیدایش این دیدگاه، فاصله‌ی اندکی بین شکست در اصطلاح طبیعی و ایجاد شهرهای کینه‌توز<sup>۴</sup> در دهه‌ی ۱۹۹۰ وجود داشت. جیمز روز، مهندس توسعه و عمران، مسئول حداثت بازارچه‌هایی برای گردشگران در بخش‌های تجاری شهرها بوده است. در بین آثار و برخی از مرکزی که با محیط اطراف، هماهنگ بوده‌اند. عبارتند: از لنگرگاه داخلی شهر بالتیمور، لنگرگاه ساوث ستریت نیویورک و تالار فنون<sup>۵</sup> در شهر بوستون. تاکنون کسی به‌طور جدی اظهارنظر نکرده است که جیمز روز را می‌توان جان وین<sup>۶</sup> بهسازی به حساب آورد. اما مادامی که چنین پروژه‌هایی، وسیله‌ای برای توجیه بهسازی بافت مرکزی بسیاری از شهرها از راه اسکان

1 - Urban outlaws

2 - Stratton 1977

3 - National spirit

4 - Advisory Council on Historic Preservation 1980

5 - Revanchist city

6 - James Rouse

7 - Baltimore's Inner Harbor

8 - South Street Seaport in New York

9 - Faneuil Hall

John Wayne هفت برکس یک‌هزار مسده‌ی همیوودی در سبوت وحشی و راجحری که در نهمه صمد که و

جمعیت مرفه به‌شمار بیاید، به درستی می‌توان این مهندس توسعه و عمران را همان "جان وین" بهسازی قلمداد کرد. در نهایت با بررسی‌های صوت گرفته می‌توان به این نتیجه‌ی مهم رسید که مطالب ارائه شده درباره‌ی مرزبندی بین تمدن و توحش، تنها ابزاری است برای عقلانی و مشروع جلوه دادن فرایند کسب فتوحات<sup>1</sup>، خواه در غرب وحشی قرون هجدهم و نوزدهم و خواه در مناطق حاشیه‌ای مراکز شهرها در اواخر سده بیستم.

تُرینر در تاریخ غرب بسیار تأثیرگذار بوده است و نمی‌توان از اثراتی که او در تاریخ میهن‌پرستانه غرب به جا گذاشته است، چشم پوشید. با این همه، نسل جدیدی از مورخان «خواهان بازنگری در تاریخ»، به تازگی، بازنویسی در تاریخچه و سوابق مرزبندی بین تمدن و توحش را آغاز کرده‌اند. یکی از این مورخین، پاتریشیا نلسون لیمیریک<sup>2</sup> نام دارد که کتابی برای تصحیح کتب تاریخی هالیوودی و پرادعای غرب وحشی نگاشته است. به نظر وی امروزه در شهرسازی، درونمایه‌ی مرزبندی بین تمدن و توحش را می‌توان دوباره پیدا کرد.

اگر هالیوود خواهد کانون احساسی تاریخ غرب را بیان کند، به جای تمرکز بر فیلم‌های وسترن، باید فیلم‌هایی درباره‌ی املاک و مستغلات بسازد. در چنین شرایطی جان وین، دیگر نه هفت تیرکش بود و نه کلانتر، بلکه نقشه‌بردار، خوداگر و یا وکیل دعاوی می‌شد. در این صورت نبرد نهایی بین خوبی و بدی، در مکانی مثل اداره‌ی ثبت اراضی یا دادگاه رخ می‌داد و افراد حاضر در این نبرد، به جای استفاده از شش لول، از سند مالکیت و پرونده‌ی اقامه‌ی دعوی استفاده می‌کردند.<sup>3</sup>

اگرچه سخنان لیمیریک، از بسازی جهات، توصیفی بسیار گرایانه از فرایند بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه به‌شمار می‌آید، باید توجه داشت که این فرایند، پدیده‌ای جهانی است و به نحوی فراگیر و جهانشمول، در شهرهای کانادا، استرالیا، نیوزلند، اروپا و نیز به‌طور پراکنده، در شهرهای کشورهای ژاپن، آفریقای جنوبی و برزیل مشاهده می‌شود. در شهرهایی مانند پراگ<sup>4</sup>، پایتخت جمهوری چک یا سیدنی<sup>5</sup>، مرکز استان نیوساوت ویلز<sup>6</sup> استرالیا یا تورنتو<sup>7</sup>، مرکز استان اونتاریو<sup>8</sup> در کانادا، استفاده از مرزبندی بین تمدن و توحش، بر خلاف ایالات‌متحده و هم نظرانش، موجب توجه بهسازی به روش گفته شده نمی‌شود و از همین‌رو می‌توان افسانه‌ی مرزبندی را تا حدودی از ساخته‌های ایالات‌متحده دانست. این افسانه ریشه در شهرهای سده نوزدهم ایالات‌متحده دارد که در اوج معماری خود بنا شده‌اند. اگرچه شکی نیست که افسانه‌ی مرزبندی در ایالات‌متحده بیشتر از سایر کشورها ریشه دوانیده است، اما نخستین تجربه‌ی این مرزبندی، متعلق به دولت ایالات‌متحده نیست. دلیل اول ریشه این افسانه را می‌توان در دیدگاه آینده‌نگرانه‌ی مهاجرانی از کشورهای اسکاندیناوی<sup>9</sup> یا سیسیل<sup>10</sup> و سکنه آلمانی تبار یا چینی تبار ساکن شهرهای کانزس<sup>11</sup> یا سانفرانسیسکو<sup>12</sup> به آمریکا دانست. دلیل دوم آنکه برای پایگاه‌های مستعمراتی اروپا، به عنوان مثال ده‌کوره‌های

1 - Process of conquest  
 2 - Patricia Nelson Limerick  
 3 - Limerick 1987:55  
 4 - Prague  
 5 - Sydney  
 6 - New South Wales  
 7 - Toronto  
 8 - Ontario  
 9 - Scandanavia  
 10 - Sicily  
 11 - Kansas city  
 12 - San Francisco

استرالیا یا کنیا یا مرز شمال غربی کانادا یا هند و پاکستان نیز منغمه‌هایی از مفاهیم دربرده‌ی مرزبندی بین تمدن و توحش، طبقات اجتماعی، نژاد و جغرافیا ساخته بودند تا بتوانند از مسک‌هایی مشابه ب مسک‌های ایالات متحده پشتیبانی کنند. دلیل سوم آنکه درون‌نمایی مرزبندی بین تمدن و توحش، در همه‌ی مکان‌های خارج از ایالات متحده نیز رخ داده است.

شاید، درخور توجه‌ترین مکان بروز بین مرزبندی، پس از شهرهای ایالات متحده، لندن باشد و آنچه خط اول جبهه‌ی بین تمدن و توحش نامیده شد، پس از درگیری‌هایی که بین نیروی‌هی نظامی و جوانان آفریقایی- کاراییبی تبار، هل سبای جنوبی و نیز، سفیدپوست در لندن (و دیگر شهرهای بریتانیا) در دهه‌ی ۱۹۸۰ رخ داد، منجر به پیدایش مرزهایی در برخی از محلات لندن شد. خطوط اول جبهه‌ی بین تمدن و توحش در مکان‌هایی از قبیل حاده آل‌سینتس<sup>۲</sup> در شهرستان آزاد کنزینگتون و جلسی<sup>۳</sup> یا مناطق ناتینگ‌هیل<sup>۴</sup> یا بریکستون لندن<sup>۵</sup>، هم‌سنگ‌هایی برای مقابله با هجوم نیروی پلیس در دهه‌ی ۱۹۷۰ و هم مقرهای استراتژیکی برای نیروی پلیس به‌شمار می‌آمدند. این خطوط اول جبهه در دهه‌ی ۱۹۸۰ به سرعت، به جبهه‌ی مقابله با بهسازی از راه اسکان جمعیت مرمه تبدیل شد. رییس پلیس سابق کلان شهر لندن، سر کنیث نومن<sup>۶</sup>، جنبه‌ی نظامی راهبرد جبهه‌ی بین تمدن و توحش را در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ به جر گذشت و دلیل این کار را در سخنرانی برای گروه دست راستی آتلانتیک اروپا<sup>۷</sup> این چنین توضیح داد. وی با اشاره به ارتشد جومع محلی چندقومی<sup>۸</sup>، که سبب پیدایش طبقه‌ی پایین و محروم جامعه می‌شدند، پیش‌بینی کرد که بزهکاری و بی‌نظمی رخ خواهد داد و یازده مکان نمادین<sup>۹</sup> که شامل خطوط اول جبهه‌ی بین تمدن و توحش می‌شد را در لندن تعیین و خاطر نشان کرد که تدبیر ویژه‌ای برای این مکان‌ها لازم است. همچنین اظهار داشت برای هر یک از این یازده مکان، طرحی احتیاطی وجود دارد که پلیس را قادر می‌سازد به سرعت، منطقه را تصرف کرده و در اختیار بگیرد.<sup>۱۰</sup>

به معنی واقعی کلمه، درون‌نمایی مرزبندی بخشی از مهمات فرهنگی زندگی روزمره‌ی لندن شده است. در لندن نیز مانند شهرهای ایالات متحده، بزین بهادری شهری در نظر برخی، سبکی رایج برای زندگی شد. به قول رابرت‌ای‌تس<sup>۱۱</sup>، آری، زمان جنگ آخر خوبی و بدی رسیدن است و طرفداران غرب وحشی، کلاه‌های کابویی می‌گذاردند، اسب‌هایشان را زین می‌کنند و تظاهر می‌نمایند که میل متحرک دوبرجی لندن<sup>۱۲</sup>، در شهر تگزاس<sup>۱۳</sup> آمریکا قرار دارد. در کپنهاگ<sup>۱۴</sup>، پایتخت دانمارک، هنگامی که دولت، به پیمان ماستریخت برای تشکیل اتحادیه‌ی اروپا<sup>۱۵</sup> رأی موافق داد، شش تن از معترضان حاضر در شورش ماه مه ۱۹۹۳ در محله‌ی

- 1 - Australian or Kenyan outback
- 2 - All Saints Road
- 3 - Kensington and Chelsea
- 4 - Bailey 1990
- 5 - Notting Hill
- 6 - Brixton
- 7 - Sir Kenneth Newman
- 8 - European Atlantic Group
- 9 - Growth of multi-ethnic communities
- 10 - Cited in Rose 1989
- 11 - Robert Yates 1992
- 12 - Tower Bridge
- 13 - Texas
- 14 - Copenhagen
- 15 - Maastricht European Union treaty

نوسازی شده، مورد اصابت گلوله‌ی پلیس قرار گرفتند و در این محله، «میکده‌ی غرب وحشی»<sup>۱</sup> افتتاح شد. میکده‌های غرب وحشی و دیگر نمادهای مرزبندی، از سیدنی تا بوداپست<sup>۲</sup>، پایتخت مجارستان، به‌طور معمول ابزارهایی برای زینت بخشیدن به فرایندهای بهسازی محله‌های شهر از راه اسکان جمعیت مرفه و برای یادآوری این بهسازی شده است. البته، درونمایه‌ی مرزبندی در زبان عامیانه‌ی محلی، به عبارتی خنده‌دار و تمسخرآمیز تبدیل شده است. برای نمونه، بهسازان بافت شهری در لندن را «حکومت استعماری نوین»<sup>۳</sup> نامیده‌اند و «مرز شمال غرب» مفهوم نمادین و سیاسی جدیدی یافته است<sup>۴</sup>. این اصطلاح اخیر، به گونه‌ای آشکار نشان می‌دهد که بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه، پدیده‌ای جهانی شده است.

در پرداختن به این نوع از بهسازی به منزله‌ی یکی از مرزهای جدید شهری، مانند هر روش دیگر، شالوده‌ای وجود دارد که اگرچه محدود است، ولی واقعیت دارد و بی‌طرفانه نیست. این نوع مرزبندی، نشانگر تلفیقی مؤثر و مرکب از پیشرفت‌های اقتصادی، جغرافیایی و تاریخی است. با این حال، فردگرایی در جامعه که به‌طور کامل به این مرزبندی ارتباط دارد، از جنبه‌ای بسیار مهم، افسانه‌ای بیش نیست. چیزها و اشخاصی که به قول تیزر، مرز تمدن را به سمت غرب پیش بردند بانک‌ها، خطوط راه‌آهن، دولت و دیگر منابع اشتراکی سرمایه بود و نه پیشگامانی منفرد<sup>۵</sup>. ساکنان زمین‌های واگذاری یا فردگرایان قاطع و نه چندان بانزاکت<sup>۶</sup> در این دوره، توسعه‌ی اقتصادی، بیشتر از راه گسترش جغرافیایی در مقیاس قاره‌ای به انجام می‌رسید.

امروزه هنوز رابطه‌ی بین توسعه‌ی اقتصادی و گسترش جغرافیایی وجود دارد و تصور مرزبندی را قوت می‌بخشد. با این وجود، شکل این رابطه نسبت به گذشته بسیار تغییر کرده است. در حال حاضر توسعه‌ی اقتصادی تنها از راه توسعه‌ی جغرافیایی صورت نمی‌گیرد و مستلزم تفکیک درونی فضاهایی است که پیش از آن توسعه یافته‌اند. این امر در مقیاس شهری اهمیت بهسازی را در مقایسه با حاشیه‌نشینی آشکار می‌سازد. فضاسازی و به بیان دقیق بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه، دو نمونه از توسعه‌ی نابرابری هستند که در جوامع سرمایه‌داری شیوع پیدا کرده‌اند. مرز مناطق بهساخته همانند یک مرز واقعی، بیش از آنکه به سبب اقدامات پیشگامان گسترش یابد به دلیل اقدامات مالکان اشتراکی سرمایه توسعه پیدا می‌کند. به بیان دیگر پیشگامان شهری شجاعانه در مکان‌هایی پیشروی می‌کنند که پیش از آنها بانک‌ها، شرکت‌های توسعه و عمران املاک و مستغلات، مؤسسات کوچک و بزرگ اعطاکننده وام، شرکت‌های خرده‌فروشی و دولت، آن مکان‌ها را فتح کرده باشند.

در مفهوم موسوم به جهانی‌سازی، سرمایه‌های ملی و جهانی، به یک اندازه مرزبندی جهانی را مبتنی بر بهسازی بین تمدن و توحش ایجاد می‌کنند. این ارتباط بین مقیاس‌های مختلف توسعه فضایی و همراستایی توسعه‌ی ملی و بین‌المللی مبتنی بر بنیاد توسعه‌ی شهری، از نظر طرفداران ایجاد مناطق تجاری در شهرها بسیار آشکار بود. پیشگام احداث مناطق تجاری، دولت‌های تاجر<sup>۷</sup> و ریگان<sup>۸</sup> در دهه‌ی ۱۹۸۰ بودند و ایجاد این

1- Wild West Bar

2- Budapest

3- M. Williams 1982

4- See also Wright 1985:216-248

۵- (الف) استان مرز شمال غرب، یکی از استان‌های پاکستان است که با افغانستان هم مرز است.

6- Individual pioneers

7- Rugged individualist

8- Swierenga 1968; Limerick 1987

9- Thatcher

10- Reagan

مناطق، یکی از اصول راهبردی خصوصی سازی شهری در دهه‌ی ۱۹۹۰ به‌شمار می‌آمد. به گفته‌ی استوارت باتلر<sup>۱</sup> (تصددن بریتانیایی که در یکی از مؤسسات رست فرضی به نام بنیاد میراث فرهنگی<sup>۲</sup> برای پژوهش بین رشته‌ی کار می‌کند) در تشخیص نشانه‌های خودمذگی شهری<sup>۳</sup>، تبدیل مناطق مرکزی شهر به مرز بین تمدن و توحش، انقافی نیست و تصورهای مربوط فرتر از ابزاری برای تسهیل بیان یک یدنوبوژی<sup>۴</sup> است. همانند جهان عرب در سده نوزدهم، ایجاد مرزبندی جدید شهری در اواخر سده بیستم، راهبردی مبتنی بر جغرافیای سیاسی بری نیل دوباره به فتوحات اقتصادی بوده است:

شاید بتوان استدلال کرد که دست کم، بخشی از مشکلات مروزی در بسیاری از مناطق شهری، از ناتوانی ما در اعمال سازوکاری نشأت می‌گیرد که ترنر آن را برای مرزبندی سن تمدن و توحش در مناطق معجور مرکز شهر توضیح داده است. این سازوکار عبارت است از توسعه‌ی مستمر محلی و ابداع نظرات جدید. طرفداران ایجاد نوعی تجاری، برین عقده‌دند که شرایط مناسب جری فریند مرزبندی بین تمدن و توحش را در داخل هر شهر پدید آورند.<sup>۵</sup>



کتاب حاضر از چهار بخش تشکیل شده است. بخش مقدمات، که شامل فصل‌های ۱ و ۲ است، پیش‌زمینه‌ای برای تضادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ناشی از بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه را ارائه می‌کند. فصل ۱، متمرکز بر درگیری‌های بوستان میدان تامپکینز<sup>۶</sup> در محله ایست‌ساید جنوبی نیویورک است و نشان می‌دهد که چگونه یکی از شدیدترین درگیری‌ها و مخالفت‌ها، علیه بهسازی در دهه‌ی ۱۹۸۰، این محله‌ی را به یکی از مرزهای جدید شهری تبدیل کرد. در فصل ۲، تاریخچه‌ی مختصری از بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه و بحث‌های مرتبط به آن مطرح می‌شود و علاوه بر آن تمرکز صبی در فصل ۲ آن است که در دهه‌ی ۱۹۹۰، استمرار بهسازی، یکی از دلایل بروز پدیده‌های است که نکارنده آن را شهر کینه‌توز می‌نامند. در بخش یک که شامل فصل‌های ۳ و ۴ و ۵ است، به ارائه برخی از نظریه‌ها برای روشن شدن بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه پرداخته می‌شود. فصل ۳ معضوف بر بازار مسکن و مقیاس محلی است. فصل ۴، بر عرصه‌ی جهانی تمرکز دارد و بحث‌های اقتصادی فراگیری را درباره‌ی توسعه‌ی نابرابر رنه می‌کند. در فصل ۵، به بررسی بحث‌هایی پرداخته می‌شود که بهسازی را به بازسازی اجتماعی مناطق با طبقات جامعه و با بری مرد و زن مربوط می‌سازد. در بخش دو، که شامل فصل‌های ۶، ۷ و ۸ است، با استفاده از نمونه بی‌وهی‌ها و نمونه‌های عملی از شهر فیلادلفیا<sup>۷</sup>، بخش هارلم شهر نیویورک، بودیست، پایتخت مجاریسکا<sup>۸</sup>، مستردم، پایتخت هلند و پاریس، پایتخت فرانسه گوشش می‌شود که رابطه‌ی متقابل و متغیر بین تغییرات جهانی در اقتصاد اجتماعی از یکسو و جنبه‌های بی‌شمار نمونه‌های محلی بهسازی از سوی دیگر نشان داده شود. نکاتی که در این خصوص، بر آنها تأکید می‌شود عبارتند از نقش دولت و تخصیص‌ی دور باطل در این فریند بری سکته‌ی فعلی. همچنین، بر این نکته تأکید می‌شود که ساختار و ویژگی بهسازی، در شهرها و در دهه‌های مختلف،

1 - Stuart Butler  
2 - Heritage Foundation  
3 - Urban malaise  
4 - Ideological conveyance  
5 - Butler 1981 3  
6 - Tompkins Square Park  
7 - Lower East Side  
8 - Philadelphia

تفاوت دارد. در بخش سه کوشش می‌شود تفکر درباره‌ی درونمایه‌ی مرزبندی را دگرگون سازیم. می‌توان با تصویر نقشه مرزبندی، بنیاد جغرافیای اقتصادی بی‌رحمانه‌ای را نشان داد که اساس توصیف مبالغه‌آمیز فرهنگی درباره‌ی پیشگامان پیشبرو مرز تمدن است. در فصل آخر، در این خصوص استدلال می‌شود که پیدایش شهرنشینی کینه‌توزانه در شهرهای پایان هزاره‌ی دوم میلادی، به ویژه در ایالات متحده، بدخواهی انفعالی و کینه‌توزانه‌ای را علیه جمعیت‌های مختلفی نشان می‌دهد که متهم به «در آوردن شهر از دست» طبقات بالاتر و سفیدپوست جامعه هستند. بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه، نه تنها انحرافی از هنجار توسعه در دهه‌ی ۱۹۸۰ نیست، بلکه به مثابه‌ی بخشی جدایی‌ناپذیر از کینه‌توزی شهرها، که به‌طور فزاینده‌ای باز هم رخ می‌دهد و تلاشی برای بازپس‌گیری شهرها از جمعیت‌های مختلف است.



با نگاهی به گذشته (براساس تجارب و خاطرات نگارنده) به نظر می‌رسد که بهسازی را نخستین بار در سال ۱۹۷۲ و در زمانی دیدم که تابستان را در یکی از دفترهای بیمه واقع در خیابان رز<sup>۱</sup> در شهر ادینبرو<sup>۲</sup>، در مرکز اسکاتلند کار می‌کردم. هر روز از منطقه‌ی دالیکس<sup>۳</sup> که منطقه‌ای کارگرنشین در ناحیه‌ی لژدین<sup>۴</sup> در مجاورت ادینبره است، سوار اتوبوس شماره‌ی ۷۹ می‌شدم و نصف طول خیابان رز را تا دفتر محل کارم پیاده می‌رفتم. خیابان رز، خیابانی در افتاده است که به خیابان باشکوه شاهزاده‌ها<sup>۵</sup> متصل می‌شود و از دیرباز، مکانی برای خوشگذرانی شبانه به‌شمار می‌آمده که دارای میکده‌های سنتی قدیمی و میکده‌هایی متعدد برای تجمع اشرار و حتی، چندین خانه فساد بوده است. البته در آن زمان شایع بود که این خانه‌های فساد تا قبل از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، ناگهان به خیابان دانوب<sup>۶</sup> انتقال یافتند. خیابان رز، محلی برای میگساری در میکده‌های مختلف بود. دفتر محل کارم در طبقه‌ی بالای میکده‌ی جدیدی به نام سرگرد گالوپینگه<sup>۷</sup> بود که بر خلاف میکده‌های قدیمی، نه دکوراسیون فرسوده داشت و نه کفی پوشیده از خاک اره. این میکده، تازه باز شده بود و در آن غذاهای اشتهاآور به همراه سالاد ارانه می‌شد و چنین چیزی در آن زمان، پدیده‌ای جدید در بیشتر میکده‌های اسکاتلند به‌شمار می‌آمد. پس از چند روز پیاده‌روی در خیابان رز، متوجه شدم که چند میکده‌ی دیگر هم امروزی شده‌اند و چند رستوران جدید باز شده است، که البته توان مالی من به خوردن غذا در این رستوران‌ها نمی‌رسید. خیابان باریک رز همیشه به خاطر تردد وسایط ساختمان‌سازی بند می‌آمد چون برخی از طبقات بالایی ساختمان‌ها در دست‌نوسازی بود.

در آن زمان، توجه چندانی به این چیزها نداشتم و فقط چند سال بعد در شهر فیلادلفیا ایالت پنسیلوانیا<sup>۸</sup>، یعنی بعد از آنکه به عنوان دانشجوی کارشناسی رشته‌ی جغرافیا، کمی یا نظریه‌های شهری آشنا شدم، تازه دریافتم که آنچه در خیابان رز می‌دیدم، نه تنها الگوی خاصی داشته، بلکه این الگو اثرگذار نیز بوده است. آن موقع، همه‌ی آنچه درباره‌ی نظریه‌ی شهری می‌دانستم، که اذعان می‌دارم چندان هم نبود، این نکته را به خاطر می‌آورد که بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه، رویدادی مطلوب نیست. با این حال، بهسازی، هم در

- 
- 1 - Rose Street
  - 2 - Edinburgh
  - 3 - Dalkeith
  - 4 - Lothian
  - 5 - Princes Street
  - 6 - Danube Street
  - 7 - The Galloping Major
  - 8 - Pennsylvania

فیلاڈلفیا و هم در دینبورو وقوع می‌یافت. چه توافقی داشت می‌افتاد؟ در سال‌های باقیمانده از دهه‌ی ۱۹۷۰ موزدی مشابه بسیاری را درباره‌ی بهسازی مشاهده کردم. ترانه‌ی زیبایی از رندی نیومن<sup>۱</sup> با نام آتشی بر رودخانه‌ی بزرگ روشن کن<sup>۲</sup> شنیدم که اعتراضی طعنه‌آمیز به وضع محیط زیست را مطرح کرده بود. هنگامی که در سال ۱۹۷۷ به شهر کلیولند<sup>۳</sup> در ایالت اوهایو<sup>۴</sup> رفتم، می‌کنده‌های آلاییدی<sup>۵</sup> کنار رود کاپهنکه، تعداد کمی از جوانان تازه به دورن رسیده و دانشجویانی همچون من و اعضای باشگاه موتورسواری فرشتگان جهنم<sup>۶</sup> و آخرین کارگران اسکله را به خود جذب می‌کردند. به نظرم رسید که خطری قریب لُوقوع را مشاهده کرده‌ام. با یکی از دوستان دیربازم که اهل کلیولند بود شرط بسته که در ده سال بعد، بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه<sup>۷</sup>، به نحوی چشمگیر، شهر کلیولند را دگرگون خواهد کرد و او، گرچه هرگز شرط باخته را ادا نکرد، ولی خیلی پیش از پایان ده سال، پذیرفت که شرط را باخته است و بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه بین شهر را متحول کرد.

مقالات حاضر در این کتاب، بسیاری از تجربه‌های مربوط به بهسازی از راه اسکان جمعیت مرفه را در بر می‌گیرد. با این حال، بیشتر نمونه پژوهی‌های این کتاب، درباره‌ی ایالات متحده است. در واقع، سه یا چهار فصل، به ویژه بحث‌های نهایی درباره‌ی مخالفت سیاسی و فرهنگی با بهسازی مذکور، مبتنی بر تجربه و پژوهش من در نیویورک است. این که پیشی نمونه پژوهی‌های این کتاب، درباره‌ی ایالات متحده است موجب طرح این پرسش می‌شود که آیا بحث‌های کتاب حاضر، درخصوص بافت‌های دیگر نیز مصداق دارد یا خیر؟ اگرچه این کاستی احتمالی را می‌پذیرم که تجربه‌های حاصل درباره‌ی بهسازی در بافت‌های مختلف منی، ساحه‌ای، شهری و حتی در محله‌ها، بسیار متنوع است. ولی بر این باورم که می‌توان آمیزه‌ای از خصوصیات مشترک را در همه‌ی بهسازی‌های انجام شده در این مکان‌ها مشاهده کرد. می‌توان از تجربه‌ی بهسازی نیویورک نکات بسیاری آموخت و بسیاری از دیدگاه‌های نیویورکی در خصوص این بهسازی، در جاهای دیگر نیز موافقان و پیروانی دارد. ترانه‌ی لو رید<sup>۸</sup> با نام قرار ما در میدان تامپکینز<sup>۹</sup> (در ایوم او به نام نیویورک)، موجب شد که درگیری‌های خشونت‌آمیز در بوستان میدان تامپکینز در حاشیه شرقی، در نظر بسیاری از مردم، بلافاصله نمادی جهانی برای پیدایش شهرهای کینه‌توز شود.

بسیاری از فصل‌های این کتاب، مقالات بازوخته و ویرستاری شده‌ای هستند که پیش از این، به نشر رسانده‌ام و از همین رو، بیش از هر چیز، مدیون نویسندگان مشترک مقالات مذکور هستم. به ویژه، از ریچرد شافر<sup>۱۰</sup> سپاسگزارم که برای پژوهش مقدماتی درباره‌ی منطقه‌ی هارلم<sup>۱۱</sup> نیویورک (فصل ۷) با همکاری کرده و نیز، از گرا رید<sup>۱۲</sup> و بتسی دانکن<sup>۱۳</sup>، که نویسندگان مشترک نخستین ویراست فصل ۸ بوده‌اند، همچنین از کمک

- 
- 1 - Randy Newman
  - 2 - Burn on Big River
  - 3 - Cleveland
  - 4 - Ohio
  - 5 - Flats
  - 6 - Hell's Angels
  - 7 - Lou Reed
  - 8 - Meet You in Tompkins Square
  - 9 - Richard Schaffer
  - 10 - Harlem
  - 11 - Laura Reid
  - 12 - Betsy Duncan

بلاعوض بنیاد ملی علوم<sup>۱</sup> سپاسگزارم که برای نگارش گزارش پژوهشی فصل ۹ حمایت مالی لازم را انجام داده‌اند.

افراد بسیاری از جنبه‌های مختلف در این اثر ابراز نظر کرده‌اند و در نگارش آن، سهمی داشته‌اند. اطمینان دارم که فهرست ارائه شده از اسامی آنها بسیار ناقص است و به همین سبب، از کسانی که ناگزیر اسمشان را ذکر نکردم، عذر می‌خواهم: رازلین ذبیح، بن انگلز، سوزن فینستاین، دیوید هاروی، کیرت هالیندر، ران هروث، اندریه گنس، هال کندیگ، لس کیلمارتین، کری ناپ، مایکی لاریه، شیله مور، داماریس رز، کریس تلوس، مایکل سرکین، آیده ساسیر، لیله وورل، پتر ویلیمز و شیرن زوین.<sup>۲</sup>

بسیاری از افراد، مشتاقانه مرا با بهسازی مشابه انجام شده در شهر و محله‌شان آشنا کردند و مرا یاری دادند تا دیدگاهم را کامل کرده و توسعه دهم. از جمله، بن ایگلز، ران هروث، جیل آلین، روث فینچر، مایک وبر، بیلر بدکاک، جویت تیمار، وایله زناتی، ژلین کوکس، اد سجه، هلگه لاینز، اریک شیپرد، جان فان ویسپ، جان پلاگر، آن بره، اریک کلارک، کین آلویگ، کرن آلویگ و استین فک.<sup>۳</sup>

از مایک سیگل<sup>۴</sup> سپاسگزارم که نقشه‌های کتاب را رسم کرد و طراحی کتاب را انجام داد و نیز از روئی گیلمر، مارله امبری، آنی زایدمن و به ویژه، تمار رائنبرگ سپاسگزارم<sup>۵</sup> که در مراحل مختلف نگارش پژوهش‌هایم به نحوی عالی مرا پشتیبانی کرد.

در نهایت هرگونه انسجامی که در این کتاب مشاهده می‌شود، بسیار مدیون افراد فوق است.

چند نفر در پژوهش من پیرامون بهسازی، نقش جدی ایفا کرده‌اند. زمین سایبریوسکی، وقت، نظرات و پشتیبانی خود را در نخستین مرحله‌ی پژوهشی درباره‌ی بهسازی، با سخاوت بسیار، در اختیارم گذاشت و سخاوت او شامل کمک‌های مالی‌اش برای انتشار این کتاب نیز هست. برای *هالکم*<sup>۶</sup> نیز از همکاران سخاوتمند و پشتیبانم بوده است و همواره مطالبی در خور توجه در اختیارم گذاشته است، از جمله، نسخه‌هایی قدیمی از گزارش‌های محرمانه‌ی مراجعان او درباره‌ی قدیمی‌ترین آثار من. باب برگارد همیشه، حتی هنگامی که با من مخالف بود، برای مشارکت کامل در تدوین این کتاب وقت صرف کرد. باب لیک، سوزن فینستاین و باب برگارد<sup>۷</sup>، بهترین همکارانم بوده‌اند.

اریک کلارک<sup>۸</sup>، هم منتقدی سرسخت و هم پشتیبانی قاطع بوده است و از بحث‌های او، چه مکتوب و چه حضوری، مطالب بسیار آموخته‌ام و همچنین، از سخاوت او بهره گرفته‌ام. جان فان ویسپ<sup>۹</sup> در سال ۱۹۹۰ مرا به یوترخت<sup>۱۰</sup> دعوت کرد و به این ترتیب، فضا و زمانی را در اختیارم گذاشت تا بتوانم درباره‌ی بهسازی، در

1 - National Science Foundation-SE-87-13043

2 - Rosalyn Deutsche, Benno Engels, Susan Fainstein, David Harvey, Kurt Hollander, Ron Horvath, Andrea Katz, Hal Kendig, Les Kilmartin, Larry Kropp, Mickey Lauria, Sheila Moore, Damaris Rose, Chris Toulouse, Michael Sorkin, Ida Susser, Leyla Vural, Peter Williams, Sharon Zukin

3 - Benno Engels, Ron Horvath, Janelle Allison, Ruth Fincher, Mike Webber, Blair Badcock, Judit Timár, Viola Zentai, Zoltan Kovács, Ed Soja, Helga Leitner, Eric Sheppard, Jan van Weesep, John Ploger, Anne Haila, Alan Pred, Eric Clark, Ken Olwig, Karen Olwig, Steen Folk

4 - Mike Siegel

5 - Ruthie Gilmore, Marla Emory, Annie Zeidman, Tamar Rothenberg

6 - Briavel Holcomb

7 - Bob Lake, Susan Fainstein, Bob Beauregard

8 - Eric Clark

9 - Jan van Weesep

10 - Utrecht

بافتی گسترده‌تر فکر کنم. وی پیش از این کار، همایشی دوازده روزه را با موضوع بهسازی بافت شهری اروپا از راه اسکان جمعیت مرفه سازماندهی کرد و سپس، در روز دوم، پس از پایان این همایش، خودرویی خود را در اختیارم گذاشت تا به کندوکاو در زمین‌های زراعتی حاصل ز سدبندی<sup>۱</sup> پردرزه (که در آن هیچ بهسازی‌ای از نوع مذکور رخ نداده است)، به این ترتیب وی توانست دستور کاری را برای بهسازی بافت شهری اروپا از راه اسکان جمعیت مرفه عنوان کند که عاری از محدودیت‌های ناشی از اصرار من بر لزوم دیدگاهی جهانی بود. تبادل منصفانه‌ی اطلاعات، به هیچ وجه، سرقت نیست.<sup>۲</sup> کریس همنٹ،<sup>۳</sup> که هنگام نخستین عرش‌های گردباد<sup>۴</sup> تشکیل تجدیدی اروپا، به یوترخت، مد، دوستی قدیمی و مخالف‌خوانی تیزبین<sup>۵</sup> است که بدون او، مباحث درباره‌ی بهسازی، بسیار ملال‌آورتر می‌شد.

سیار مدیون جو دژرتی<sup>۶</sup> هستم. در نقطه‌ای بسیار مهم از تحصیلاتم، شور بسیاری برای مطالعه‌ی گسترش فناوری جدید ذخیره سازی سیلویی<sup>۷</sup> در ایالات شمال شرقی آمریکا داشتم و بدون راهنمایی صبورانه و آمیخته به مهر او، نمی‌توانستم شش دانگ حواسم را به بهسازی متمرکز کنم و به احتمال زیاد، یک جغرافیدان کم سود می‌شدم. در این باره، کریس او دیون<sup>۸</sup> سالارهای وزارت کشاورزی ایالات متحده سپاسگزارم. کسی که اسم او را به یاد ندارم. وی هرگز به درخواست نامه‌ی من جهت دریافت داده‌ها پاسخی نداد و از همین رو، بیشتر متقاعد شدم به توصیه‌ی جو دژرتی عمل کنم. همچنین، وی بود که مرا از نقش روث گلس<sup>۹</sup> در ایجاد اصطلاح جتریفیکیشن [معادل با بهسازی بافت شهری از راه اسکان جمعیت مرفه] آگاه کرد.

ریک شرڈر، دوهاجسن، تیم برین، دیوید هاروی، هایدی سنن، دینینه یوه‌هاروی، روثی گیلمر، کریگ گیلمر و سنی مارتسن<sup>۱۰</sup>، دوستانی هستند که تأثیر، حمایت و زفقت آنها، بسیار ارزشمندتر از هرگونه دغدغه درباره‌ی بهسازی بوده است. در واقع، آنها مرا به یاد این نکته می‌اندازند که جدای از مقوله بهسازی، زندگی معنایی دیگر هم دارد، البته گاهی احساس می‌کنم همه‌ی زندگی‌م صرف بررسی بهسازی شده است.

تعداد سال‌های آشنایی من با سیندی کنس<sup>۱۱</sup> و بهسازی به تقریب یکسان است، اما فقط در یکی از سردترین روزهای دسامبر ۱۹۸۹، یعنی از روزی که پلیس نیویورک، برای نخستین بار، افراد بی‌خانمان را با توسل به زور، از بوستان میدان تامپکینز بیرون راند، سیندی و بهسازی، بخشی جدانشدنی از زندگی‌م شدند. من و او به شدت مشتاق مشاهده جهانی هستیم فاقد بهسازی و فاقد همه‌ی بهره‌کشی‌های اقتصادی و سیاسی منجر به این بهسازی باشد. ما هر دو رزومندیم جهان را عاری از مؤلفه‌هایی ببینیم که من آنها را بخشی جدانشدنی از سیاست نوین می‌دانم.

سرانجام، آنکه سفر من از منطقه‌ی دالیکس اسکاتلند به فیلادلفیای ایالات متحده در سال ۱۹۷۴، مرا از میهنم بسیار دور کرد. شاید با این کتاب بتوانم دستاوردی برای این سفر عرضه بدارم. منطقه‌ی دالیکس چندان دچار بهسازی نشده است، با این حال، امید دارم بسیاری از سکنه‌ی دالیکس با مطالعه‌ی این اثر، سیاست‌های

1 - Polders

2 - A fair exchange is no robbery

3 - Chris Hamnett

4 - Impish antagonist

5 - Joe Doherty

6 - New silage technologies

7 - Ruth Glass

8 - Rick Schroeder, Do Hodgson, Tim Brennan, David Harvey, Haydee Salmon, Delfina Eva Harvey, Ruthe

Gilmore, Craig Gilmore, Sallie Marston

9 - Cindi Katz

.....مرزبندی نوین شهری

کلی بهسازی را به خوبی دریابند. بنابراین، مایلیم کتاب حاضر را به پدر و مادرم نانسی و ران اسمیت<sup>۱</sup> تقدیم کنم که به من اطمینان دادند دوریم از وطن، نه تنها برای تحصیل در رشته‌ی جغرافیا، بلکه برای یادگیری سیاست بوده است. می‌دانم که والدینم افتخار می‌کنند خود را با مردمی شریک بدانند که در هر جایی از جهان، با بهسازی در مبارزه هستند.

www.ketab.ir